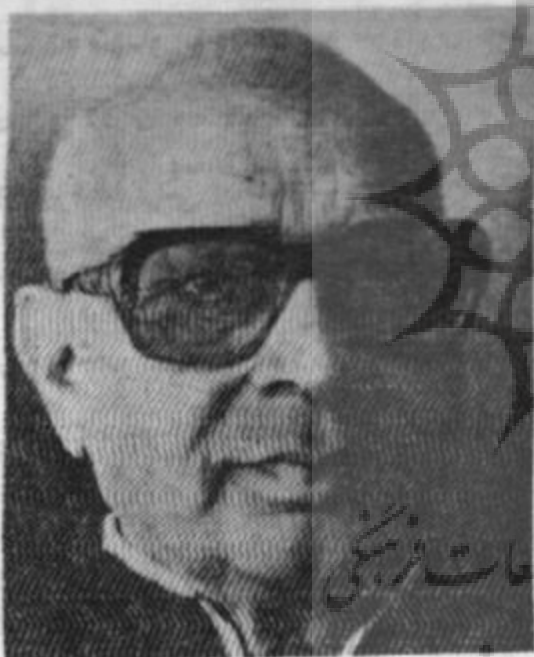


یک نسخه خطی پرارزش از کلیات وحشی بافقی

نوشته: پروفیسور سید امیر حسین عابدی
دانشگاه دهلی (هند)



سرور مکرم جناب آقای دکتر دزفولی

احتراماً با سلام مقاله پیوست، نگارش آقای پروفیسور سید امیر حسین عابدی استاد ممتاز گروه ادبیات دانشگاه دهلی نو است. ایشان از محققان و مصححان نامور آثار فارسی در شبه قاره هند است و چند سال پیش یادنامه ای به پاس خدمات علمی و فرهنگی وی در هند چاپ شد.

در مهرماه سال جاری به هنگام برگزاری کنگره عطار در نیشابور، به درخواست اینجانب این مقاله را نوشته و از هند فرستاده اند. ایشان در نامه ای که فرستاده اند (فتوکی پیوست است) تقاضای انتشار آن را نیز کرده اند. از اینرو بهتر آن دیده شد که مقاله به دو جهت برای آشنا فرستاده شود.

۱- بواسطه نقش این مجله در رشد و گسترش زبان و ادب فارسی در جهان.

۲- بین المللی بودن این نشریه و زین

چون خط فارسی ایشان ناخوانا بود، مقاله را بازنویسی کرده و با برخی زیرنویسها و افزودگیها که لازم دانسته شد تقدیم می شود.

یزد- حسین مرت

کمال الدین وحشی بافقی کرمانی (وفات ۹۹۱ هجری / ۱۵۸۳ میلادی) یکی از شعرای بزرگ قرن دهم هجری محسوب می شود. تذکره نویسان هند از وی توصیف و تمجید کرده اند.

صاحب ریاض الشعرا می نویسد:

«نوحزلان وحشی معانی، رام وی بوده اند. در استادی و شیرین زبانی مسلم روزگار و یگانه عالم است. دیوانش مشهور و عرایس ابتکار افکارش، غیرت صدجان حور است. مستبح [روش] بابا فغانی است، ولیکن شوخی کلام را بر طرز وی افزوده و تغییری در طور بابای مرحوم داده است که بعضی از آنها در واقع بسیار نمکین و شیرین افتاده و بعضی دیگر مست و کم رنگه واقع شده.»

به اعتقاد راقم [۵...] خام شاعران این زمان با او و شوکت بخارائی و مولانا ظهوری است. زیرا که در وادی ای که مولانا ظهوری قدم نهاده، جبرئیل را مجال پرزدن نیست. مایه و سلیقه او مساعدت کرده که از عهده [طرز] خود برآمده است و هرکه تتبع طرز او کرده، اشعارش بی رتبه، بلکه بی معنی محض شده و هیچکس [را] طرز او، چنانچه باید به دست نمی آید. و این روش بر وی ختم شده است. و دیگر مولانا وحشی است که اکثر به روش روزمره عوام گفتگو کرده، لیکن معنی استادی و مایه وری او فی الجمله مانع خامی و بی رتبهگی کلامش شده است. دیگران را که طرز گفتگوی، او خوش آمده و خواسته اند به روش او شعر بگویند، سخن ایشان یکباره از درجه فصاحت و پختگی افتاده و به جایی رسیده است که هرکس را قدری هم از این عالم بهره باشد، از شنیدن آن عار و تنفر می آید.

و همچنین شوکت بخارایی که نازک خیالیها را به جایی رسانیده است که شهباز اندیشه به پیرامون آن نمی تواند رسید، چون او را نیز این روش مساعدت کرده بودند. فی الجمله از عهده آن برآمد. و پیروانش پی را گم کرده، به ضلالت افتادند. و پنداشتند که سخن ایشان نازک و بلند و بلیغ شده است. و اگر کسی از اغلاط افهام ایشان خبر داد، از وی آزرده شده، به مخالفت و مجادلتش برخاسته، جرح سخندانی او نمودند... کار سخن را رسانیدند به جایی که رسیده است. خصوصاً در زمان ماکه هرکس از افراد [انسان] را باید شاعر دانست. (۱) مؤلف منتخب الاشعار می گوید:

«وحشی غزالان سخن گستری وی را رام و عندلیبان گلشن نکته پروری صیاد طبعش را در دام. در شیرین زبانی مسلم جمهور، در خوش کلامی در السنه خواص و عوام مشهور.» (۲)

صاحب منتخب اللطایف می نویسد:

«جامع جمیع اقسام شعر و صاحب طرز خاص است که پیروی شعر او مشکل و شعر او را سهل ممتنع گفته اند.» (۳) مؤلف شمع انجمن می گوید:

«مرد عاشق مزاج بود. سخنش چاشنی درد دارد.» (۴)

صاحب نشتر عشق می نویسد:

* جای یک کلمه خالی بوده است.

«در جمیع اقسام شاعری صاحب طرز جدید است و روش سهل ممتنع اختیار کرده بود، که تتبع کلام او، دیگر کسان پیروی نمی توانستند کرد... در وادی غزلگویی و مثنوی نویسی کسی را با او مجال همزبانی و هم کلامی نبود. وحشیان مضامین، پابند سلاسل افکار اویند و آهوان خیالات رنگین، نخجیر دام ذکر او. اشعار آبدارش سینه دردمندان را می خراشد و کلام ملاحظت بارش نمک بر جراحت دلها می پاشد.» (۵)

کلیات دیوان وحشی دوبار در ایران به چاپ رسیده و انتشار یافته است. (۶)

نسخه های خطی دیوان یا کلیات این شاعر بزرگ در موزه ها و کتابخانه های هند نگهداری می شود:

۱- دیوان وحشی، نسخه خطی شماره ۱۱۶۱۱ کتابخانه تحقیق و اشاعت کشمیر، سرینگر.

۲- دیوان وحشی، نسخه های خطی شماره ۲۴۴، ۳۱۷. کتابخانه راجه محمود آباد، لکهنو.

۳- دیوان وحشی نسخه خطی شماره ۱۱۷۱، دفتر اسناد استان اترپردیش، اله آباد.

۴- کلیات وحشی، نسخه خطی شماره ۱۷۸۲، دفتر اسناد استان اترپردیش، اله آباد.

۵- دیوان وحشی، نسخه خطی شماره ۶۳، کتابخانه دولتی نسخه های خطی مدراس.

۶- دیوان وحشی، نسخه خطی شماره ۱۹۵۹، کتابخانه خدابخش پتنه (؟)

۷- دیوان وحشی بافقی، نسخه خطی شماره ۱۶۸، ۱۶۹، ذخیره حبیب گنج، دانشگاه اسلامی، علیگره.

یکی از نسخه های خطی پرارزش کلیات وحشی در موزه ملی دهلی نو به شماره ۵۷۰۷۲/۳ مضبوط می باشد. نسخه نامبرده به خط عالی نستعلیق محمد حسین شیرازی استنساخ گردیده و آغاز هر صنف شعر، مثل قصیده و غزل و هریک از مثنویات با صفحات مطلقاً و مذهب آغاز می گردد. یکی از مزایای این نسخه در داشتن قصیده و غزل ذیل می باشد که هنوز به چاپ نرسیده و انتشار نیافته، از نظر دانشمندان مخفی مانده است:

قصیده (۵)

از عون و عون به وقت خوش (۲۹) طبعها ملول
 و زهون و هون (۳۰) ز کاهلی اش حلقه ها فگار
 زو سایه اش بی است روانتر از آنکه نیست (۳۱)
 دایم به یک مقام جو او سایه را قرار
 بشتش جنان فگار که از قرب یک دو میل
 مردار خوار کرده ز بوی بدش فرار
 «وحشی» بس است، چنه توان بست خر در آرز (۳۲)

از خر طرف شهر بیدیش زیستهار
 خروارها [ی] زر صله این قصیده بود
 گرد داشتی فسون (۳۳) سخن اندک اعتبار
 اما چه سود (۳۴) زان که (۳۵) به یک نرخ می خرند
 گر سهرة خراست و گرد در شاهوار

غزل (۳۶)

خبر مقدم قاصد جانان صفا آورده ای
 خوش خیر بانی که خوش پیغامها آورده ای
 [این نه] [پیغام است] [ای قاصد که سوزجان] (۳۸) مات
 بر گرفته عشق و اول روبه ما آورده ای
 ای پیام آور پیغم پیش این (۳۹) طرز کلام
 خوش سخن عاشق [یست است] (۴۰) از کجا آورده ای
 ساقه لوحم، می کم باور بگو، قاصد بگو
 در هر مقام با تن بار کثرت شاد کلاه علوم انسانی و اسلامی
 «وحشی» این طرز بیان یاد از سخنها می دهد
 در گوش اوست بانگ غچک (۴۲) و این قاصد را
 هر دم دریده سفره نانی ز قافه

چون از سپهر خسرو ستاره بست بار
 بر عزم ره به لاشه حماری شدم سوار
 آن طور (۷) لاشه ای که نهید سینه بر زمین
 بنشیندش به پشت اگر فی المثل (۸) غبار
 پاهای او ز باد قوی همچو دست (۹) قیل
 هرگز کسی ندیده چنین باد پا حمار
 پایش به گل بماند و خسب (۱۰) ز لاغری

در آب شاش خویش اگر باشدش گذار
 در هر دو گام خسب و آنگه (۱۱) ز مردگی
 بی چار کس (۱۲) ز جای نجبه جنازه وار
 او خفته از ضعیفی و از بهر مردنش
 بر (۱۳) هر طرف نشسته کلاغی (۱۴) ز انتظار
 هر سوزنی ستاده به کف دسته های نی (۱۵)

کز بهر مغز کله او را به ما سپار (۱۶)
 زین بی هنر چه آب و علفها که شد تباہ (۱۷)
 تا گام (۱۸) زد به سوی چراگاه روزگار
 هر لاله ای که چید (۱۹) بر او باد خون دل
 هر سبزه ای که خورد (۲۰) بر او باد زهر مار
 بر پشت این خرک من و فریاد زیر و بم
 در هر مقام با تن بار کثرت شاد کلاه علوم انسانی و اسلامی
 بر یکدگر زند ز چه او (۲۲) دستها مگر

در گوش اوست بانگ غچک (۲۳) و این قاصد را
 هر دم دریده سفره نانی ز قافه
 من در میان آب و علف (۲۴) گشته ترسار
 هر پیر لاشه عقب افتاده ای که دید

پیشش ستاده رسم تواضع کند شمار (۲۵)
 هر گه به سر در آمده، برجسته ام ز جا
 از شوق اینک رفته مگر گردنش ز کار
 من ریشخند چون نشوم کوبه هر قدم
 صد گو زدم کشیده کند (۲۶) بیش در قطار
 هر جا ز دور (۲۷) دیده ستوری به بوی جو
 رفته (۲۸) به دست و پای وی افتاده چون جدار

۱- ابوالفضل ریحان الشعراء نسخة خطی موزه ملی دهلی نو. شماره ۳۷-۵۴ [این متن تفکره یا نسخه موجود در کتابخانه ملک تهران تفاوت دارد (رک مقدمه حسین نخعی بر دیوان وحشی، ص ۳۳). برخی اختلافها درون قلاب گذارده و در متن وارد شده است. حسین مشرت].
 ۲- مردان علی خان مبتلا منتخب الشعراء، توفیق و تلخیص دکتر محمد اسم خان القویرتین سوسایتی، دهلی، ۱۹۷۵ میلادی، (ص ۱۰۹).
 ۳- رحیم علی خان ایمان: منتخب اللطایف به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی، و دکتر سید امیر حسین عابدی، چاپ تابان، تهران، ۱۳۴۹، ص ۴۱۸.
 ۴- محمد صدیق حسن: شعاع التجمع، مطبع رئیس مطابع شاهجهانی،

بیمی اگر ز بنده نبودی کلاخ

۱۷- هر دو: زین سپهر چه آید عشقش

۱۸- دانشگاه: ناکام

۱۹- دانشگاه: چند، بانکی پور: هر آینه کو چرخ

۲۰- هر دو: خورده.

۲۱- دانشگاه: بار.

۲۲- هر دو: رو.

۲۳- هر دو: «و» ندارد.

۲۴- هر دو: آب عرق.

۲۵- هر دو: نثار.

۲۶- هر دو: کشد.

۲۷- متن عابدی: دود.

۲۸- هر دو: رفت و.

۲۹- هر دو: جوش.

۳۰- هر دو: هین و هین.

۳۱- هر دو: هست.

۳۲- هر دو: خرد راز.

۳۳- هر دو: فنون.

۳۴- متن عابدی: حسود.

۳۵- هر دو: اینکه.

۳۶- متن این غزل در دیوان کامل وحشی بافقی، به کوشش ایرج افشار،

تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸ ص ۱۵۱-۱۵۰ موجود است. [مستزاد].

۳۷ و ۳۸- داخل قلاب از متن چاپ ایرج افشار است.

۳۹- همان: آن.

۴۰- نقل از چاپ ایرج افشار

۵- حسین قلی خان عظیم آبادی، تذکره نثر عشق. با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا، زیر نظر اعلاخان افصح زاد، دوشنبه. نشریات دانش، ۱۹۸۸. ج ۷ ص ۱۶۹۴.

۶- الف. کلیات دیوان وحشی بافقی، به کوشش نعمت احمدی، تهران: گلشایی، ۱۳۶۱- ب. دیوان کامل وحشی بافقی ویراسته حسین نخعی تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۲. [مؤلف از دیگر چاپهای آن در ایران بی خبر بوده است. مستزاد].

[* قبلاً متن این قصیده را محمد صالح اویس صدیقی با عنوان: «فی الحمار نامه» به نقل از نسخه خطی شماره ۲۴۶ کتابخانه بانکی پور هند و نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مقابله کرده و برای بار نخست در مجله هلال شماره ژوئن ۱۹۷۱ و برای بار دوم در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. ص ۱۸، ش ۱: ۱۱۵-۱۱۲ چاپ کرده وی افزوده، این قصیده در نسخه خطی عبدالحسین بیات نیز موجود است و چون این قصیده شکواییه که در عین فکاهی بودن بیشتر بیانگر بی سروسامانی وحشی است. در هیچکدام از دیوانهای چاپی وی نیست، نگارنده برای آگاهی پژوهندگان، متن مقاله دکتر اویسی را با مقاله پروفیسور عابدی مقابله کرده و اختلافها را در ذیل درج می نماید. حسین مستزاد].

۷- بانکی پور: طرفه.

۸- همان: فی العیل.

۹- دانشگاه و بانکی پور: پای.

۱۰- بانکی پور: بمانده و جسد.

۱۱- بانکی پور: هر دم، دانشگاه: آن دم.

۱۲- هر دو: کش

۱۳ و ۱۴- هر دو: در

۱۵- هر دو: دسته هاونی.

۱۶- هر دو: گذار. پس از آن بیت زیر وجود دارد.



برآمال جمع علوم انسانی

مدت اشتراک

نام مشترک



آشنا

بنیاد اندیشه اسلامی

آدرس و شماره تلفن تقاضا کننده اشتراک

| مدت اشتراک | ایران | خارج از ایران |
|--------------------|-----------|---------------|
| یکسال (۶ شماره) | ۹۰۰ تومان | ۶۰۰۰ تومان |

مشترکین داخلی پس از واریز کردن پول به حساب جاری ۳۱۷۲۵۶۳۱ بانک تجارت شعبه «سازمان آب» (تهران) به نام بنیاد اندیشه اسلامی فرم بالا را پر کرده همراه اصل فیش به آدرس مجله در تهران خیابان ولیعصر - بین فاطمی و زرتشت - نبش کوچه کامران شماره ۷۶۶ - صندوق پستی ۱۴۱۵۸ ارسال فرمایند.